

ایران از دیدگاه نخبگان روسیه

زهرا قیاسی

دانشجوی دکترین تاریخ روابط بین‌الملل دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه

سپر بلای این کشور را در مقابل غرب و متحدان منطقه‌ای آن همچون رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و ترکیه ایفا کند. موضوع صدور گاز ایران به اروپا و تبدیل شدن ایران به رقیبی برای روسیه از جمله مواردی است که پیوسته مورد بحث نخبگان روسی قرار دارد. در این خصوص غربگرایان تأکید بیشتری بر هزینه‌سازی ایران در آینده و در نهایت تبدیل شدن این کشور به یک رقیب جدی برای روسیه در حوزه انرژی می‌دانند در حالی که اوراسیایگرایان عموماً این مسأله را نه تهدید بلکه چالشی برای روسیه می‌دانند و معتقدند غربی‌ها در راستای منافع خود از این موضوع برای ایجاد تنش در روابط ایران و روسیه استفاده می‌کنند.

نکته جالب توجه مخالفت مشترک دو طیف یاد شده علی‌رغم تفاوت نگاه‌شان با تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. اوراسیایگرایان معتقدند نباید به واشنگتن اجازه داد تا از تحریم‌ها علیه کشورهای دیگر با قدرت‌طلبی‌های او مخالفت استفاده کند بویژه آنکه روسیه نیز در طی سال‌های اخیر با مشکلات ناشی از تحریم‌های ایالات متحده دست و پنجه نرم کرده است. غربگرایان هم معتقدند با اعمال تحریم‌های پیاپی نمی‌توان جلوی پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران را گرفت و در صورت ادامه این مسیر، تنها قدرت نظام ایران تقویت شده و آمریکا در نهایت همراهی جامعه بین‌المللی را از دست خواهد داد. پس از بحران سوریه و خروج ایالات متحده از برجام نخبگان روسیه به این نتیجه رسیده‌اند که ایران به سرعت در حال طی کردن مسیر افزایش نفوذ منطقه‌ای خود و تبدیل شدن به قدرتی هسته‌ای است که واشنگتن به سختی می‌تواند در برابر تهران اقدام مؤثری انجام دهد.

در مجموع عموم نخبگان و اندیشکده‌های معتبر روسیه جدای از گرایش‌های سیاسی خود بر این باورند که روابط ایران و روسیه با وجود پیشرفت‌های قابل توجهی که در سال‌های گذشته داشته است، در نهایت ماهیتی نظامی-امنیتی داشته و در سایر حوزه‌هایی چون اقتصادی-فرهنگی و مهم‌تر از همه اعتمادسازی در بین مقامات و مردم دو کشور، مسیر طولانی را در پیش دارند.

ایدئولوژیک این نظام شد، بویژه آنکه در دوره سوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین یعنی در سال ۲۰۱۲ اوراسیایگرایی گفتمان غالب گردید و سیاست خارجی این کشور شکلی تهاجمی همراه با گرایش به شرق به خود گرفت.

اما در مقابل اوراسیایگرایان، طیف غربگرایان قرار دارند که ایران را چالشی در روند عادی‌سازی روابط با ایالات متحده می‌دانند. نگرش این گروه به ایران از ترس کلی ایشان از جهان اسلام ریشه دارد، بویژه سیاست‌ها و مواضع تهران در مقابل رژیم صهیونیستی که بر مسلمانان سایر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز تأثیرگذار بوده و از نظر ایشان چنین موضعی نوعی افراط گرایی شمرده می‌شود. تجربه‌های تلخ روسیه از جنگ چچن، افراط گرایی و پیرو آن حملات تروریستی در درون مرزهای خود و حوزه نفوذ این کشور یعنی کشورهای پسا شوروی منجر به شکل‌گیری دیدگاه امنیتی و سیاسی روس‌ها به جهان اسلام گردید که جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. نمونه آن سال‌های ابتدایی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است، زمانی که تیم غربگرای بلتسین نگاهی تهدیدآمیز به ایران به عنوان کشوری اسلامی داشت و سیاست‌های ایشان در قبال تهران به پیروی از سیاست‌های واشنگتن صورت می‌گرفت. غربگرایان معتقدند لزوم داشتن منافع مشترک دو کشور حتی در منطقه خاورمیانه تنها شرط لازم برای همکاری‌های راهبردی دو جانبه نیست، بلکه اعتمادسازی جایگاه مهمی در شکل‌گیری چنین همکاری‌هایی دارد که در فضای دو کشور جای خالی این موضوع بخوبی احساس می‌شود. از طرفی سیاست‌های چند سال اخیر ایران بویژه در جریان توافق برجام نشان داد که برخی سیاستمداران ایرانی هم، برقراری رابطه با غرب را اولویت خود می‌دانند چرا که پس از برداشته شدن برخی از تحریم‌ها در دوره اوباما اکثر قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های روسیه لغو گردید و جای خود را به شرکت‌های غربی داد. بنابراین این طیف ایران را صرفاً اهرم فشار خوبی در برابر معامله با ایالات متحده و شریک تجاری سودمند می‌دانند که نزدیکی بیشتر به ایران می‌تواند هزینه‌های زیادی را برای روسیه ایجاد کرده و بعضاً روسیه نقش

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همواره دو گرایش کلی در میان نخبگان روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است. گرایش نخست که عمدتاً به اوراسیایگرایان روسیه اختصاص دارد که معتقدند ایران و روسیه می‌توانند با یکدیگر همکاری‌های راهبردی داشته باشند و در برابر مواضع سیاسی و نظامی ایالات متحده در یک جبهه قرار گرفته و آن را به چالش بکشند. چرا که ایران یک قدرت منطقه‌ای در حال رشد است که با توجه به سیاست‌های مستقلی که از غرب دارد می‌تواند بهترین شریک خاورمیانه‌ای روسیه محسوب گردد و در مسیر احیای قدرت روسیه در خاورمیانه و صحنه بین‌الملل، قدرت‌طلبی‌های ایالات متحده را به چالش بکشد. این گروه برخلاف طیف غربگرایان روسیه به ایران به چشم اهرم فشار موقت در معامله با غرب نگاه نمی‌کند بویژه آنکه از نظر ایشان روسیه برای برقراری ثبات در خاورمیانه همواره به کمک ایران نیازمند است و بحران سوریه از جمله همکاری‌های موفقیت‌آمیز دو کشور به شمار می‌آید که مسیر جدیدی را در روابط دو کشور ایجاد نمود. از طرف دیگر مذهب شیعی که در ایران وجود دارد برخلاف وهابیت، گفتمانی میانه‌رو و عقل‌گرا است که خود در خط مقدم مبارزه با گروه‌های افراطی منطقه در کنار روسیه قرار دارد و در نتیجه هیچ‌گاه برای روسیه خطرآفرین نبوده است. البته لازم به ذکر است که اوراسیایگرایان طیف‌های گسترده‌ای را شامل می‌شوند که در این میان برخی از نخبگان و سیاستمداران طرفدار این گفتمان نگاه راهبردی به روابط ایران و روسیه نداشته بلکه صرفاً خواهان ارتقای روابط دو کشور در حوزه‌های سیاسی نظامی و امنیتی هستند.

تفکر اوراسیانیسم در سال‌های آغازین شوروی محبوبیت یافت و در آغاز دوره ولادیمیر پوتین به اوج خود رسید. برخی از صاحب‌نظران روسی معتقدند که پس از انتخاب پوتین در ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ ایده اوراسیایگرایی تبدیل به بنیان‌های

